

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلِعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سر الصلاة امام خمینی قدس سره ۷

امام خمینی ره می‌فرماید ابعاد وجودی انسان کامل از بالاترین مرتبه آن (ظهور مشیت مطلقه) گرفته تا پایین‌ترین مرتبه آن (مقبض ارض سابع)، تمام دایره وجود را شامل می‌شود؛ با این تعبیر که: «و این دو مقام (مقام شهادت و غیب یا همان مقام دنیا و آخرت) در انسان کامل از ظهور مشیت مطلقه از مکان غیب احدی تا مقبض هیولی یا مقبض ارض سابع، که حجاب انسانیت است، به طریقه عرفای شامخین - و این یکی از دو قوس وجود است - و از مقبض تراکم فیض تا منتهی النهایه غیب مشیت و اطلاق وجود - و این قوس دوم است - می‌باشد. پس انسان کامل به حسب این دو مقام، یعنی مقام شهادت و ظهور به رحمانیت، و مقام غیب و ظهور به رحیمیت، تمام دایره وجود است: ثُمَّ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى.»

شرح: «مشیت» از ماده «شیء» مصدر «شاء، یشاء» است که در لغت به معنای اراده و در اصطلاح به معنی تمایل یافتن به سوی چیزی است تا حدی که به طلب آن چیز منجر شود. قرآن از مشیت الهی با تعبیری از قبیل «شاء» و «أراد» و مشتقات آن دو یاد نموده است؛ مشیت در قرآن و عترت، اقسامی دارد: «مشیت تکوینی»: مشیت تکوینی عبارت از مقام ایجاد است، که مخصوص خداوند و بر اساس علم و حکمت و مصلحت تحقق می‌یابد. «تُولِجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجَ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران / ۲۷) «شب را در روز داخل می‌کنی، و روز را در شب و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را زنده و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می‌بخشی». تمام مراتب وجود و مَشاهد غیب و شهود پرتو جلوه مشیت الهی هستند، و چون میان خواست خدا و ایجاد نمودن اشیاء فاصله‌ای نیست، مشیت خدا، مساوق با تحقق و ایجاد است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (یس / ۸۲) چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید (کن وجودی) باش پس [بی درنگ] موجود می‌شود»

ببریده اند بر قد سروت قبای ناز

فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل

قسم دیگر «مشیت تشریعی» نامیده می‌شود، خداوند می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (انسان / ۳) «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!» یعنی خداوند با ارسال

رسولان، بندگان را از آنچه به مصلحت و یا ضرر آنهاست، آگاه می‌نماید تا بدون هیچ‌گونه اجبار به فعل یا ترک و با اختیار خود، اقدام کنند؛ بنابراین تخلف از مشیت تشریعی امکان‌پذیر است.

از پس آنکه رسول آمد با وعد و وعید
چند گویی که بدو نیک بتقدیر و قضاست
گنه و کاهلی خود بقضا بر چه نهی
که چنین گفتن بیمعنی کار سفهاست
به دست من و توست نیک اختری
اگر بد نجویم نیک اختریم

در دعای سحر امام باقر علیه السلام از مشیت خداوند این چنین یاد می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةً...» (سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۳۴۵) خداوند! از تو درخواست می‌کنم نافذترین مراتب مشیت را، در صورتی که تمام مراتب مشیت تو نافذ است، و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ.» (الكافي، ج ۱، ص ۱۱۰) خداوند سبحان «مشیت» را بی‌واسطه و اشیاء دیگر را به واسطه مشیت خلق فرمود، به تعبیر امام خمینی (ره) بالاترین مراتب وجود انسان مشیت مطلقه نامیده می‌شود: «مشیت مطلقه از مکامن غیب احدی» (مشیت مطلقه که غیب مطلق است از مقام احدیت ذات الهی)... بی‌واسطه به ظهور رسیده است. «مشیت مطلقه» همان «فیض منبسط»، رحمت واسعه و نعمت جامعه و صادر اول است که همه چیز را در بر گرفته و خداوند موجودات را از مراتب تعینات و تنزلات وجود او آفریده است.

وصف این آدم که نامش می‌برم تا قیامت گر بگویم قاصرَم

پایین‌ترین مرتبه وجود این مخلوق اول در اصطلاح، هیولای اولی نامیده می‌شود؛ (هیولا) هم به معنای (قوه) و هم به معنای (ماده) است. هیولی (ماده اولی) جوهری که هیچ‌گونه فعلیتی ندارد، مگر بالقوه بودن، و پذیرای صورت‌های متعدد است، نام دیگر آن ارض سابع و آخرین تنزل از مراتب وجود انسان و آخرین حجابی است که در سیر تنزل بر روی حقیقت انسان کشیده می‌شود و به تعبیر قرآن کریم: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» که امام راحل فرمود: این سیر مراتب نزول مخلوق اول «که حجاب انسانیت است، به طریقه عرفای شامخین - یکی از دو قوس وجود است» (چرا که حقیقت هستی دارای دو طرف است؛ از یک طرف به فعلیت محض و کمال مطلق می‌رسد، و از طرف دیگر به قوه محض و پذیرش صرف منتهی می‌گردد، از «اعلی‌علیین» به «اسفل السافلین» پس، در علم الهی، حقیقت انسانیت به «عالم مشیت» تنزل کرده و از عالم مشیت به «عالم عقول و روحانیان» از ملائکه مقربین و از آن عالم به «عالم ملکوت علیا» از نفوس کلیه و از آن به «عالم طبیعت». و عالم طبیعت نیز به مراتبی که دارد تا پست‌ترین مراتب آن که عبارت از عالم هیولا

است و آن نخستین زمین است و به اعتباری «زمین سابق» و «طبیعت نازله» است و این آخرین درجه نزول انسان است.

جمله عالم چون تن و انسان دل است هر چه می جویی ز انسان حاصل است
هر دو عالم جسم و جانش آدم است ز آن که آدم اصل جمله عالم است

حضرت امام می فرماید: « و از مقبض تراکم فیض تا منتهی النهایه غیب مشیت و اطلاق وجود - و این قوس دوم است - می باشد. » از دیدگاه عرفان در قوس نزول، انسان تمام مراتب به ودیعت گرفته را تا نشأه عنصری همراه خود می آورد و از آن پس در قوس صعود همه آنچه را که در قوس نزول گرفته شکوفا می نماید و به نهایت درجه کمال خویش می رسد و با رسیدن به ثبات و قرار، دایره وجود تتمیم می گردد، و از تمام حدود و تعینات وارسته می گردد. چنان که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) به این مقام شامخ نایل آمد، و قرآن کریم از آن خبر داده است: «... **ثُمَّ دَنَىٰ فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوَدْنَىٰ**» (نجم/۹)؛ سپس نزدیک تر و نزدیک تر شد تا آن که فاصله او به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود. « پس انسان کامل همگی و تمامی سلسله وجود است و دایره وجود با او تمام می شود و او است اول و آخر و ظاهر و باطن و او است کتاب کلی الهی. » (خمینی، سید روح الله، شرح دعای سحر، ص ۱۰۲)

منبسط بودیم و یک گوهر همه بی سر و بی پا بدیم آن سر همه
یک گهر بودیم همچون آفتاب بی گره بودیم و صافی همچو آب

در ادامه امام راحل مراتب وجود انسان را در این دو قوس بر ظهور رحمانیت و رحیمیت پروردگار متعال تطبیق داده و می فرماید. «**پس انسان کامل به حسب این دو مقام، یعنی مقام شهادت و ظهور به رحمانیت، و مقام غیب و ظهور به رحیمیت، تمام دایره وجود است: ثُمَّ دَنَىٰ فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوَدْنَىٰ**» توضیح احاطه اسم رحمان و رحیم با مظهریت انسان بر تمامی دار تحقق، در آیه شریفه «**وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**» به این ترتیب است که دو اسم شریف رحمان و رحیم از اسماء محیطه است که بر تمام دار تحقق احاطه دارند و در سایه همین دو اسم شریف است که جمیع موجودات به وجود آمده و به کمال وجود خود می رسند. تمام اسماء و صفات الهی تحت سیطره دو اسم شریف رحمت رحمانیه و رحیمیه در سراسر دار وجود، عمل می کنند؛ حتی رحمت رحیمیه که گفته می شود در آخرت مخصوص مومنان است شامل همه است؛ اما کسانی که به سوء

اختیار، از فطرت الهی خارج گشته‌اند، در حقیقت خود را از آن محروم کرده‌اند و در حالیکه رحمت رحیمیه شامل آنها بوده و هست، بواسطه ظلمی که به خود کرده‌اند، از بهره بردن ناتوانند.

کوچ کردند حریفان و رسیدند به مقصد	بی نصیبم من بیچاره که در خانه خزیدم
لطفی ای دوست که پروانه شوم در بر رویت	رحمی ای یار که از دور رسانند نویدم
ای که روح منی از رنج و فراغت چه نبردم	ای که در جان منی از غم هجرت چه
کشیدم	